

آینه

کیتان

تحقیر آمریکا، مقاومت ملت!

با شکست مأموریت آبه در جهت زمینه‌سازی برای مذاکرات آشکار میان ایران و آمریکا، مقامات و رسانه‌های غربی و برخی دنباله‌های داخلی آنها به‌دنبال القا و تغییر محاسباتی برخی مسئولان کشور برای تن‌دادن به «مذاکره مستقیم محرمانه میان ایران و آمریکا» هستند؛ آن‌گونه که بی‌بی‌سی و برخی رسانه‌های آمریکایی ادعا کردند «در این شرایط چاره کار برایی مذاکره مستقیم محرمانه میان ایران و آمریکاست که دولت ایران بتواند آن را کتمان کند، تا بعدا امکان «مذاکراتی نو» صورت بگیرد». برخی قرائن این احتمال را بیش می‌کنشد که آمریکایی‌ها و غربگرهای داخلی تلاش دارند بازی مذاکره با چتر القای جنگ و صلح را بدون تغییر اهداف خود از میدان آمریکا-ایران به میدان عربستان-ایران منتقل کنند و آنچه ترامپ نتوانسته بود با مأمور کردن زاین مستقیما به آن برسد. اکنون با بهره‌گیری از سعودی‌ها این گواهی شیره دنبال‌کنند!

اعتبار

آینده یک کمسیون مهم

فاطمه حسینی، این رقابت‌های فراکسیونی، اگرچه بخشی از کار در پارلمان است اما قطعا مانع از پیشبرد اهداف و برنامه‌های تخصصی کمسیون نخواهد شد. بر این اساس، امیدوارم باتوجه به زحماتی که اعضای پیشین هیئت‌رئیس در ۳ سال نخست این دوره بر دوش کشیده و اقدامات مثبتی که انجام دادند، بتوانیم ادامه این مسیر در سال پایانی مجلس دهم را نیز با همان روحیه همدلی و همکاری پیش ببریم و نتیجه این فعالیت‌های درون‌کمسیون، در ادامه در صحن علنی پارلمان نیز به‌نمر بنشیند.
هم‌اکنون در شرایطی که بخشی از مهم‌ترین چالش‌های کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی است، به‌نظر می‌رسد کمسیون اقتصادی مجلس نیز وظیفه‌ای خطیر برعهده دارد و بر این اساس، تلاش خواهیم کرد که علاوه بر پیگیری طرح‌ها و لوایح مصوب کمسیون همچون قانون بانکداری با مالیات بر ارزش‌افزوده در صحن علنی مجلس، اقدام به طراحی، تدوین و تصویب دیگر لوایح و طرح‌های موردنیاز کشور کرده و این موارد را نیز در صحن علنی به تصویب برسانیم.
همچنین علاوه بر مباحث تقنینی، وظایف نظارتی کمسیون در حوزه‌های اقتصادی کشور نیز نیازمند توجه و کاری جدی است که امیدواریم با پیگیری این موارد، گامی در مسیر ساماندهی وضعیت اقتصادی کشور برداریم، کم‌اینکه در طول این ۳ سال گذشته نیز اعضای کمسیون تلاشی جدی در این راستا داشتند و اقداماتی مثبت را نیز به انجام رساندند که ضمن تقدیر از این تلاش‌ها، امیدواریم این مسیر تداوم یابد.

ایران

حیات شبانه یا امتداد اقتصاد و اجتماع روز
دربش

سسمیه توحیدلو، جامعه‌شناس اقتصادی؛ مسائل اقتصادی، وضعیت معیشت و نوع نگاه مدرن به آینده که بر «گشتن از منافع آتی برای کسب منافع آتی» بنا شده عاملی است که روزه‌روز ساعات اشتغال شاغلین را افزایش داده است. این افزایش زمان کار هرچند در کنار پایین بودن بهره‌وری قرار گرفته و ناکارآمدی را در فرهنگ کار ایرانی ساخته اما واقعیتی است که وجود دارد، چراکه تنها تعریف روشن در زندگی را کاروکسب درآمد دانسته‌اند. فضا و زمینه‌های اجتماعی هم در تمام این سال‌ها چنین چیزی را خواسته و هرآنکس که فراغت کمتری را برای خود درنظر گرفته عضوی مطلوب‌تر و کارآمدتر معرفی کرده است. از این‌روست که روز در زندگی مدرن خانواده‌های ایرانی کار است. کاری که تاشب کش آمده و البته بخش زیادی از مشاغل کلان‌شهرها لاجرم در شب نیز تعریف شده است. بستر فردگراییه این نوع کار دیگر فرصت‌های حضور با خانواده یا جامعه‌گسترده را نمی‌دهد، یعنی فردانیتی است که شبانه‌روزی شده و در همه‌هم، شلوغی و ارتباطات گسترده و بی‌هدف کلان‌شهرها کم می‌شود. از طرفی آنچه شناخته شده و بدو بها داده می‌شود ظرفیت روزانه کار در شهر است. به‌جز منایج جدید و خلایق‌های کارآفرینانه در شهر بخش زیادی از فضای شناخته شده اشتغال در کلان‌شهرها در روز به اشباع رسیده و از این‌روست که فرصت‌های شغلی اندک و بی‌کاری رو به فائز، است.

زنگ

شانگهای مهم‌تر از حتی اتحادیه اروپا

نشست اخیر سران شانگهای نشان داد که ارائه جدی نزد بازیگران بزرگ جهانی مثل چین، روسیه و هند برای دور شدن از تعاملات با دلار و جایگزین‌کردن یک ارز جدید شرقی حرکت می‌کند و به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران که از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا که به لحاظ اقتصادی به‌شدت تحت فشار است، می‌تواند به عنوان کشور عضو این نهاد مهم جهانی به سمت شکوفایی اقتصادی و بهره‌گیری از امتیازات اقتصادی کشور‌های بزرگ و همچنین همکاری با کشور‌های مهم مثل چین، هند و روسیه استفاده کند. لذا نشست اخیری که تشکیل شد، می‌تواند در حقیقت یک گام بسیار مهم اقتصادی برای تقابل با هژمونی‌های غرب و آمریکا به‌ویژه در حوزه اقتصادی بهره بگیرد و به همین دلیل به نظر می‌رسد که ایران می‌تواند در آینده به عنوان یکی از کشورهای شاخص عضو شانگهای فعالیت جدیدی را در حوزه اقتصادی داشته باشد.

ادامه از صفحه اول

هر چقدر دولت‌ها بافت (تکنوکراتیک) داشته‌اند، اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته و در اقدام خود «فعال‌تر» برخورد می‌کرده‌اند. این وضعیت البته در ترکیب با عامل مؤثر اول گاه به نوعی از بی‌توجهی به خواسته‌ها و ارزش‌های بخش‌های مختلف جامعه می‌انجامیده است در دوره اول ریاست‌جمهوری آقای هاشمی، هر دو دوره ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و دوره اول ریاست‌جمهوری آقای روحانی، فن‌سالاران غلبه داشته‌اند. خاتمی و روحانی به خواسته‌ها و حساسیت‌های گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی توجه داشتند و دیگران را به حساب می‌آوردند، اما هاشمی نیازی (در دور اول) نمی‌دید که واکنش و خواست دیگران را هم مورد توجه قرار دهد. در دوره دوم هاشمی و روحانی و هر دو دوره احمدی‌نژاد بافت دولت از صورت غلبه فن‌سالاران خارج شد و دیگر شاهد غلبه یک یا چند نظریه‌معتبر بر تصمیم‌گیری‌های دولت نیستیم. به‌خصوص دوران احمدی‌نژاد را می‌توان دوران «خط‌مشی‌گذاری مادون علم» نامید. خط‌مشی‌های دوران احمدی‌نژاد بر هیچ نظریه معتبری اتکا نداشت. در این دوره باور‌های عامیانه و مادون علم مبنای بسیاری از تصمیم‌گیری‌های دولت بود.

می‌خواهم نتیجه بگیرم که در هشت دوره ریاست‌جمهوری بعد از جنگ، ما شاهد نوسان میان الگوهای مختلف تعیین خط‌مشی بوده‌ایم. البته باید تاکید کنم که در ایران یک دولت در سایه هم وجود دارد که باید آن را هم به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مهم و اساسی به حساب آورد. دولت‌ها گاه در مقابل این دولت سایه مقاومت کرده و ایستاده‌اند و گاه در مقابل آن منفعل بوده‌اند. دوره اول هاشمی استقلال از این دولت سایه و دوره دوم او تسلیم در برخی از زمینه‌هاست. دو دوره خاتمی مقاومت در مقابل این دولت سایه است و همین است که جلوی اجرای خط‌مشی‌های تعیین‌شده را می‌گیرد. دو دوره احمدی‌نژاد دولت سایه به دولت رسمی تبدیل می‌شود و فقط در چندماهه آخر دولت احمدی‌نژاد می‌توان نوعی تنش را میان آنها دید. دولت اول روحانی اقناع و مقاومت است و دولت دوم او انفعال و گاه تسلیم.

کا در اغلب مواقع سیاست‌گذاری، اجرا و ارزشیابی تصمیمات در شرایط نرمال اتفاق می‌افتد، اما جوامع و دولت‌های انقلابی به‌ندرت در وضعیت نرمال به‌سر می‌برند، خاصه آنکه در سیاست خارجی رویکرد ویژه‌ای نیز داشته باشند. حضور ایران در منطقه - فارغ از اینکه موافق یا مخالف آن باشیم- کشور را در شرایط متفاوتی قرار می‌دهد که تصمیم‌گیری در سیاست داخلی را نیز متأثر می‌کند، مخاصه آمریکا با ایران را هم به آن اضافه کنید. این سیاست خارجی باطبع سیاست داخلی متناسب با خودش را می‌طلبد که دسته‌بندی‌های رایج را زیر پا می‌گذارد و گاه تصمیمات لحظه‌ای و انقلابی می‌طلبد که از اصول و ایدئولوژی نشئت می‌گیرد. چنین تصمیماتی در همه دولت‌ها سابقه داشته است و همه دولت‌ها ملزم به این تصمیمات شده‌اند، گاه از این شرایط سود برده‌اند و گاه هزینه عواقب احتمالی ناخوشایند آن را پرداخته‌اند. در این شرایط دولت‌های پاستخگو چگونه باید عمل کنند؟ مثلا قیمت نفت از بخشنامه‌ها دستور نمی‌گیرد و تابع برنامه‌ریزی مدون داخلی نیست، پس سرچشمه بسیاری از تصمیمات بهنگام و نابهنگام دولت‌ها را باید در این شرایط ارزیابی کرد. سیاست داخلی مرکب است از وضعیت اقتصادی و معیشت مردم و هم‌چنین توسعه سیاسی و دموکراسی و سیاست خارجی که الزامات خود را دارد. اینها موضوعاتی هستند که دولت‌ها را دچار مشکل کرده است. اینک اگر بخواهیم اولویت‌ها را در این شرایط دسته‌بندی کنیم، کدام اولویت در صدر قرار می‌گیرد؟

در زمینه اولویت‌بندی اهداف در خط‌مشی‌گذاری عمومی توجه به برخی از نکات می‌تواند راه‌گشا باشد. قبل از هر چیز باید قبول کرد که در زمینه اولویت‌بندی در همه جوامع غیرستنی نوعی تعدد و چندگانگی انکارناپذیر وجود دارد. به‌طوری‌که همه را پشت سر یک اولویت قراردادن یا غیرممکن است یا فقط برای زمان کوتاهی میسر است. باید پذیریم که هر اولویتی را که مشخص کنیم، باز تعدادی با آن مخالف خواهند بود و هدف دیگری را به‌عنوان اولویت مطرح می‌کنند. برای اینکه در عمل دچار سردرگمی نشویم، باید سازوکارهایی در جامعه وجود داشته باشد که تکلیف عمل را مشخص کند. کم‌ضرترین سازوکار مهم روش‌های مردم‌سالارانه است. به این معنا که اداره امور عمومی را طوری سازماندهی کنیم که وزن هر اولویتی در جامعه مشخص شود؛ مثلا معلوم باشد که چند درصد مردم طرفدار حضور فعال‌تر ایران در کشمکش‌های منطقه‌ای هستند و چند درصد توجه بیشتر به داخل و تأمین منافع را اولویت قرار می‌دهند؛ اگر اداره امور عمومی برمبنای مردم‌سالاری سازماندهی شده باشد، مجالس و ترکیب دولت تا حدود زیادی می‌تواند وزن خواسته‌ای را مشخص کند. مشکل در جوامعی پدید می‌آید که صورت مردم‌سالاری حفظ شده؛ اما تمهیدات نهادهای اداره‌کننده امور وزن واقعی هر جریان اجتماعی را مشخص نمی‌کند. تصمیم‌گیری مردم‌سالارانه آخرین مرحله و برای مشخص‌شدن نیز ازجمله این مسائل هستند که اثرات بلندمدتی

سیاست

گفت‌وگوی احمد غلامی با علیرضا علوی تبار درباره تصمیمات بهنگام و نابهنگام در سیاست

اکنون چه باید کرد؟



تکلیف در عمل است؛ اما پیش ازآن می‌توان و باید امکان داد تا در جامعه آزادی برای اندیشیدن و بیان اهداف و برنامه‌های تخصصی کمسیون نخواهد شد. تلاش برای اقناع جامعه و جلب آنها به یک اولویت

در فضایی رقابتی و آزاد بهترین راه برای اطلاع‌رسانی و افزایش امکان تصمیم‌گیری‌های خردمندانه است. البته پیش‌شرط چنین گفت‌وگوهای ملی برخورداری همه جریان‌های فکری و سیاسی و اجتماعی از امکان سازمان‌یابی، دسترسی به رسانه‌های همگانی و منابع مادی کافی برای اینهاست؛ مثلا اگر کارفرمایان می‌توانند متشکل شوند و به رسانه‌ها و خط‌مشی‌گذاران دسترسی داشته باشند، باید چنین امکانی برای کارکران هم فراهم باشد تا هرکدام اولویت خود و استدلال خود را به جامعه عرضه کنند. همین‌جا عرض کنم که حذف نقش گرایش‌های ایدئولوژیک از فکت‌وگوهای مربوطه به اولویت ناممکن است. هر جریان و هر شخصی براساس گرایش ایدئولوژیک خود اولویت تعیین می‌کند و پیشنهاد می‌دهد. باید از اینکه یک گفتار ایدئولوژیک رو‌سناهی متعلق به دولت و حاکمیت حق ندارند دست به تقسیم جامعه بزنند؛ اما رسانه متعلق به هر جریان حق دارد بلندگوی همان جریانی باشد که هزینه‌اش را تأمین می‌کند. البته در گفت‌وگو درباره اولویت‌ها هر جریانی می‌تواند استدلال خود را داشته باشد. به طور مثال شما می‌توانید بیان: «نیازهای اساسی»، «نیازهای عادی»، «ترجیحات» جامعه تمایز قابل شنوید و بگویید امکانات محدود جامعه باید به ترتیب اول به تأمین نیازهای اساسی (خوراک، پوشاک، سرپناه، بهداشت و درمان، امنیت و حداقلی از آموزش) پرداخته و بعد به موارد دیگر؛ یا مثلا استدلال کنید که وظیفه دولت حل مسائل جامعه است و آن‌گاه مسائل و مشکلات را برحسب شدت

و هزینه لازم برای حل سامان داد؛ دغدغه‌ها، مسائل، مشکلات، معضلات، بحران‌ها و فجایع. روشن است که جامعه‌ای که با بحران مواجه است، انرژی خود را صرف حل سوالات نمی‌کند. به‌هرحال هر شکل گرایش‌های ایدئولوژیک را حذف کنید. باید آزادی در عرصه اندیشه و بیان را پذیرفت؛ اما در عمل به لوازم قانون و مردم‌سالاری تن داد. راه دیگری به نظر نمی‌رسد. هر جریانی باید خودش لوازم قانون و مردم‌سالاری تن داد. راه دیگری به نظر نمی‌رسد.

هر جریانی باید خودش از آنچه اولویت می‌داند، دفاع کند و نباید انتظار داشته باشد دیگران این کار را برایش انجام دهند.

کا منظورآن از مردم‌سالاری یعنی ایفای نقش مردم در تصمیمات، چنین چیزی در بعضی موارد ناممکن است و به‌این‌جهت چاهام شدنی است. از این‌روست که بحث رفراendum در تصمیم‌گیری‌ها تجلی پیدا می‌کند. در برخی تصمیمات که عارضه‌ای از حوادث دیگر است و به‌شکل ناگهانی بروز می‌کند، نمی‌شود به سمرد رجوع کرد، مثلا حمله ناگهانی عراق به ایران یا اشغال سفارت آمریکا توسط عراق به جریان‌های سیاسی. برای تصمیماتی که ناگهان حادث می‌شود چه راهکارهایی وجود دارد؟ در برخی تصمیمات هم نظر مردم صائب نیست، تصمیمات استراتژیکی است که به منافع کلان کشور بازمی‌گردد، مثل حدود و ثغور استقلال کشور. این حدود و ثغور را نمی‌توان به رفراendum گذاشت. از این‌منظر استراتژیست‌های سیاست خارجی تصمیم می‌گیرند که برای حفظ استقلال کشور باید در منطقه حضور داشته باشند و این حضور را دفاع از تمامیت ایران تعریف می‌کنند، کار به درست یا نادرست بودن این استراتژی ندارم، به‌نظرآن مواجه‌نخبگان با این تصمیمات چگونه باید باشد؟ آنان با این حضور نه ایجابی و نه سلبی برخورد می‌کنند. ساکت‌اند. اگر یادتان باشد مردم در جنگ نظر واحدی داشتند. یک صدا در مقام دفاع بودند، اما با این وجود با گذشت زمان نغدهایی به ادامه جنگ و چوکنگی آن وجود دارد. مسئله سفارت و برخی برخوردها با جامعه نیز ازجمله این مسائل هستند که اثرات بلندمدتی

گویا اجتناب‌ناپذیرند و برای درک این تصمیمات باید تاریخ معاصر و شرایط کنونی را تحلیل کنیم. مثلا چه شد که پس از تجربه اصلاحات، دولت احمدی‌نژاد ممکن شد. دولت اصلاحات و اصلاح‌طلبان مرتکب چه اشتباهاتی در تصمیم‌گیری‌ها شدند؟ بالاخره ما در این شرایط سیاست‌ورزی می‌کنیم و باید در همین وضعیت نیز راهکارها را جستجو کنیم. مثال دیگر اینکه آیا بازگشت اصلاح‌طلبان به قدرت از طریق دولت روحانی درست بود؟ اگر آنان با روحانی به قدرت بازنی‌کنشند، اکنون در چنین وضعیتی بودند. آینده اصلاح‌طلبان را چگونه می‌بینید؟

قبل از هر چیز توجه بفراמיד که در خوش‌بینانه‌ترین تحلیل ما در حال تلاش برای گذار به مردم‌سالاری هستیم و هنوز تا تجربه مردم‌سالاری قدری!! فاصله داریم؛ اما درباره خطاکردن، البته نمی‌توان گفت که حکومت‌های مردم‌سالار اغلب اشتباه می‌کنند. می‌توان گفت که اشتباه هم می‌کنند! اگر اغلب اشتباه می‌کردند، دچار بحران شده و از حداقلی از رفاه و شادی برخوردار نبودند. وضعیت آنها نشان می‌دهد که از زاویه نگاه مردم‌شان بیشتر درست تصمیم گرفته‌اند تا خطا. گشودگی در مقابل آینده و آمادگی برای تغییر شرط بقاء در جهان متحول امروز است. همه جوامع با پدیده تغییر در حکومت‌ها مواجه هستند. آنچه مردم‌سالاری‌ها را متمایز می‌کند، امکان تغییر مسالمت‌آمیز است؛ حتی جوامع غیرمردم‌سالار نیز با پدیده تغییر مواجه‌اند، اما از طرق غیرمسالمت‌آمیز یا انقلاب یا دخالت خارجی. مگر در شرایط خاصی یک جنبش اجتماعی قدرتمند بتواند سیستم را وادار به اصلاح کرده و آن را با بهبودخواهی همسو کند. بشر باید باور کند که بهشت را نمی‌تواند بر روی زمین بنا کند؛ اما می‌تواند با انتقاد مداوم از وضع موجود و گشودگی در برابر حقیقت و تغییر، بهبود مداوم را تجربه کند. مردم‌سالاری عیب‌های زیادی دارد؛ اما تنها راه‌حل بی‌خطر برای این عیوب مردم‌سالاری بیشتر است.

درباره علت ناگامی جنبش‌های مردم‌سالارانه در ایران بحثی تفصیلی باید کرد؛ اما به طور خلاصه باید عرض کنم که پیشدر یک حرکت مردم‌سالاری خواهی با غلبه بر نیرویی که در مقابل چنین تغییری مقاومت می‌کند، ممکن می‌شود؛ یعنی ناگامی بیش از آنکه ریشه در نامقبولیی ارزش‌ها داشت و در هنگام به‌قدرت‌رسیدن نیز بیشترین خدمت را به آنها کرد. در پیش‌های خاص اجتماعی (پویش‌های زنان، جوانان، اقلیت‌ها، طرشدگان و...) حساب خود را از جنبش اصلی مردم‌سالاری خواهی جدا کنند و این باعث کاهش چشمگیر حمایتی فعال از جنبش شد. تفرقه، زبان تند و انفجار انتظارآفرینده همگی زمینه‌های ناگامی اصلاحات را فراهم آورد.

برای آینده چه باید کرد؟ با توجه به تحول شرایط به گمان من اصلاحات باید با نوسازی و بازسازی خویش به استقبال آینده برود. قیلا هم گفته‌ام ما در سه زمینه باید نوسازی کنیم؛ گفتمانی، تشکیلاتی و راهبردی. در زمینه گفتمانی بازسازی گفتمان اصلاحات با تاکید بر سه محور جمهوریت، میهن‌دوستی مبتنی بر شهروندی و برابری طلبی اجتماعی باید در دستور کار قرار گیرد. در زمینه تشکیلاتی، تفکیک نهادهایی که برای ایجاد انسجام و مدیریت تعارض‌های درونی ایجاد شده‌اند، مانند (شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان) از نهادهای پیشرو لازم است. از شورای عالی نمی‌توان انتظار طرح ایده‌ها و اقدام‌های پیشرو را داشت، این‌شورا باید انسجام را حفظ کرده و تعارض‌های احتمالی را که با تحریک از بیرون پدید می‌آیند، مدیریت کند. هسته‌ای از اصلاح‌طلبان پیشرو باید فارغ از محدودیت‌های ناشی از ایفای نقش نماد وحدت بودن، به طرح دیدگاه‌های جدید بپردازد و اقدام‌های تازه را تجربه کند. از نظر راهبردی هم تنها به شرکت در انتخابات و طرح مطالبات بسنده‌کردن، محکوم به تکرار گذشته است. باید شجاعت به خرج داد و راه‌های تازه را آزمود. راه‌هایی که البته به سوی خرسونت تروند و هویت اصلاح‌طلبانه و مسالمت‌جویانه را نقض نکنند. باید برای پذیرش مواضع و راه‌های جدید گشوده باشیم.

کا آیا اصلاح‌طلبان باید دراتلاف و اتحاد خود یاسدار بمانند؟ اصلاح‌طلبان بعد از پیروزی در لیست‌های شورای شهر و مجلس شورای اسلامی به بتایج مطلوب دست پیدا نکردند. علما مجلس ناکارآمد است و شورای شهر کار چشمگیری نکرده است، چهره‌هایی از سوی اصلاح‌طلبان به نمایندگی رسیده‌اند که بعد از پایان نمایندگی‌شان حتی صیاد آنها را نه در شورا شنیدند و نه در مجلس و این امر عجیب است زیرا تاکنون در هیچ دوره‌ای از مجلس مردم این‌قدر بی‌صدا نبوده‌اند. نمی‌شود همه چیز را به گردن بهانه‌هایی هم‌چون نمی‌گذارند و نمی‌شود و هزار چیز موجه و غیرموجه دیگر انداخت. اگر نمی‌گذارند چرا صیادای از کسی در شورا و مجلس درنی‌آید! آیا لیست اصلاح‌طلبان و مجلس حداکثری از این لیست تصمیم بجایی بود؟ این‌طور به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان سیاه‌لشگری به این نهادهای فرستادند. اگر اصلاح‌طلبان نماینده‌های کارآمدتری به مجلس می‌فرستادند بهتر نبود؟ اصلاح‌طلبان در آینده چه کسی را حمایت خواهند کرد؟

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

معاون اول رئیس‌جمهوری:

با مردم صادقانه گفت‌وگو کنیم

● معاون اول رئیس‌جمهوری بر اهمیت گفت‌وگوی صادقانه با مردم تاکید کرد و گفت: باید مردم احساس کنند که مسئولان به دنبال حل مسائل کشور و مشکلات معیشتی جامعه هستند. اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری، ضمن تبیین شرایط اقتصادی کشور در مقطع کنونی، بر اهمیت بهره‌گیری از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای عبور از این برهه حساس تاکید کرد و گفت: عملکرد ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در سال ۹۸ تعیین‌کننده است و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باید بیش از گذشته در بخش‌ها و شئونات مختلف اداره کشور نمایان و متبلور شود. معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به تصویر کلی اقتصاد در سال ۹۷ و برخی گزارش‌ها از رشد منفی اقتصادی کشور گفت: گزارش عملکردها و اقدامات دولت در زمینه‌های مختلف نظیر نفت و گاز، رسیدگی به مناطق محروم و روستایی و اجرای طرح‌های اقتصاد مقاومتی که در اولویت دستگاه‌های اجرایی بوده، نشان می‌دهد که پیشرفت‌ها و اقدامات انجام‌شده مناسب بوده است و با توجه به مشکلات و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها عملکرد دولت قابل دفاع است. او با بیان اینکه اقتصاد کشور در سال ۹۸ با مشکلات جدیدی روبه‌رو شده است و زندگی مردم تحت فشار قرار دارد، بر اهمیت گفت‌وگوی صادقانه با مردم تاکید کرد و گفت: معیشت مردم، رونق تولید و ایجاد اشتغال مهم‌ترین اولویت‌های اقتصادی دولت در سال ۹۸ هستند و باید مردم احساس کنند که مسئولان به‌دنبال حل مسائل کشور و مشکلات معیشتی جامعه‌اند تا بتوانند بخشی از آلام و دغدغه‌های آنها را مرتفع کنند. جهانگیری با بیان اینکه حل مسائل اقتصادی کشور در شرایطی که دشمنان به تعبیر خودشان جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه ملت ایران به راه انداخته‌اند، نیازمند تمرکز ویژه و ایستادگی است، خاطر نشان کرد: این پیام باید به تمام مدیران کشور ابلاغ شود که سال ۹۸ به لحاظ اقتصادی سالی ویژه است و برای اداره مناسب کشور نیازمند آن هستیم که جدی‌تر پای کار باشیم. معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به اینکه در سال جاری با محدودیت منابع و بودجه روبه‌رو هستیم، افزود: با وجود آنکه اتکال بودجه کشور به درآمدهای نفتی کاهش یافته، اما بودجه کشور همچنان تحت تأثیر این درآمدها است و باید برای جبران کسری بودجه به دنبال راهکارها و ظرفیت‌های دیگر باشیم. او با تاکید بر اینکه مسئولان اقتصادی کشور باید در سال ۹۸ جدی‌تر پای کار باشند و نشان دهند که مرید روزهای سخت و شرایط پیچیده و دشوار هستند، گفت: باید در بخش هزینه‌ها صرفه‌جویی جدی صورت گیرد و این جهت‌گیری به همه دستگاه‌ها ابلاغ شود تا دستگاه‌ها مکلف باشند هزینه‌های خود را کاهش دهند. جهانگیری با تاکید بر ضرورت توجه به بخش تولید و به‌ویژه واحدهای تولیدی که نقش پیشران در تولید کشور را ایفا می‌کنند، تصریح کرد: باید با حمایت از بخش‌های تولیدی و پیشران نظیر خودرو و مسکن شرایطی مهیا شود و بخش‌ها و صنایع پایین‌دست آنها نیز فعال‌تر شده و با رکود مواجه نشوند. او با تاکید بر اینکه باید به هر نحو ممکن از مورد نیاز بخش تولید را فراهم کنیم، به برنامه دولت برای ممنوعیت واردات کالاهای لوکس با هدف صرفه‌جویی از این اشاره و خاطر نشان کرد: ممنوعیت واردات کالاهای لوکس علاوه بر صرفه‌جویی ارزی مانع از ایجاد دوگانگی در جامعه و جلوگیری از نمایش شکاف طبقاتی می‌شود و این در حالی است که ایجاد شکاف طبقاتی و نارضایتی اجتماعی یکی از اهداف تحریم‌کنندگان ایران است که خودشان به این موضوع در کتاب هنر تحریم اذعان کرده‌اند. معاون اول رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به پیشنهاد دبیرخانه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر تشکیل کارگروه مقابله با تحریم ذیل دبیرخانه، گفت: وظیفه این کارگروه باید ایجاد فرصت برای تولید داخلی باشد و با برنامه‌ریزی دقیق، شرایطی را مهیا کند تا با استفاده از ظرفیت‌های داخلی کمبودهای ناشی از تحریم مرتفع شود. رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی بر تشکیل کارگروهی برای شناسایی محصولات که در داخل تولید می‌شوند، تاکید کرد و گفت: دولت از تولیدکنندگانی که کالاهای خود را در داخل می‌تولید می‌شوند، حمایت می‌کند. او با اشاره به طرح ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی خاطرنشان کرد: دولت تاکنون هفت هزار میلیارد تومان تسهیلات ازان‌ان قیمت برای ایجاد اشتغال در روستاها پرداخت کرده و لازم است وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم گزارش عملکرد این برنامه را اطلاع‌رسانی کنند. جهانگیری همچنین خواستار تقویت اختیارات بیشتر به استان‌های کشور شد و بر لزوم هماهنگی هرچه بیشتر میان جانشینان ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در استان‌ها با استانداران به‌منظور اجرای هر چه بهتر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تاکید کرد.